



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۸/۱۸

مطالعه تطبیقی ریخت‌شناسی شمشیرهای سلطنتی ایران و عثمانی

در سده های دهم و یازدهم هجری قمری

فاطمه رعیتی‌زاده * سیده آیین فاضل **

۵۷

چکیده

نوشتار حاضر جستاری است در زمینه مطالعه تطبیقی ریخت‌شناسی شمشیرهای سلطنتی ایران و عثمانی در سده‌های دهم و یازدهم هجری (۱۶ و ۱۷ م.). از همین‌رو، کوشش شده‌است تا با بهره‌جستن از روش تحقیق کیفی-توصیفی و به‌دست‌دادن شواهد تاریخی به بازنمایی تحلیلی وجوه اشتراک و افتراق این شمشیرها به‌لحاظ شاکله ظاهری و نقوش طرح‌شده بر آنها پرداخته شود. در این مقاله پس از ارائه تصاویری از نمونه شمشیرهای هر دو حکومت در سده‌های مورد نظر و ارزیابی ریخت‌شناسی آنها در قالب جداول تحلیلی، چنین نتیجه‌گیری شده است که مذاهب رسمی موجود در این مناطق بر نحوه تزئینات و مضامین نوشتاری حک‌شده بر شمشیرها تأثیر بسزایی داشته‌اند و موجب شده‌اند که شمشیرها در هر یک از حوزه‌های حکومتی ویژگی خاص خود را بیابند؛ درحالی‌که تبادل صنعتگران اسلحه‌ساز و سلاح‌ها باعث بروز ویژگی‌های مشترک در ساخت سلاح‌های این دو حکومت شده است. به‌علاوه، سادگی تزئینات شمشیر ایرانی در مقابل تزئینات بیش‌ازحد روی تمامی قطعات شمشیرهای عثمانی تفاوت برجسته این شمشیرها شمرده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ریخت‌شناسی، شمشیر، صفویه، عثمانی

* دانشجوی کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول). rayati.zad@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان.

مقدمه

بخش عظیم و مهمی از صنایع فلزکاری در طول تاریخ به تولید و ساخت سلاح اختصاص داشته است؛ به گونه‌ایکه ساخت جنگ‌افزار صنعت و هنر کاربردی مهمی بوده که همواره مورد توجه نهادهای قدرت و کارگزاران حکومتی در اعصار مختلف بوده است. ردپای این توجه ویژه به هنر تولید ادوات جنگی در سده‌های دهم و یازدهم هجری (۱۷ و ۱۶ م.) مقارن با برشی از دوران طلایی تمدن اسلامی در بلاد تحت نفوذ آن، یعنی ایران و عثمانی، قابل پیگیری است. در سده‌های مذکور شمشیر، به مثابه یکی از ادوات جنگی کارآمد در حفظ قلمرو حکومت‌ها، هنوز اهمیت ویژه‌ی خود را از دست نداده بود و جایگاه خاصی نزد سلاطین صفوی و عثمانی داشت.

این اهمیت و کارکرد شمشیر نزد ایرانیان و عثمانیان در مقطع تاریخی مورد نظر، همان وجه مشترکی است که نگارندگان را بر این داشته است تا در چهارچوبی کیفی - توصیفی و به استناد شواهد تاریخی، نقاط اشتراک و افتراق شمشیرهای ساخته شده به دست صنعت‌گران هنرمند ایران و عثمانی را به لحاظ ریخت‌شناسی و ترکیب‌بندی، یعنی همان شاکله ظاهری و نقوش طرح‌شده بر آن‌ها، مورد مذاقه و تحلیل قرار دهند. به عبارت دیگر، نگارندگان می‌کوشند تا از گذار این مطالعه تطبیقی و بررسی چگونگی این نوع مبادلات صنعتی - هنری، گامی در راستای شناخت بیش از پیش صنایع هنری ایران‌زمین در برهه‌ای از تاریخ بردارند.

از همین‌رو، در ابتدای بحث پس از نگاهی اجمالی به جغرافیای تاریخی دو دولت صفوی و عثمانی به رابطه سیاسی ستیزه‌محور این دو حکومت، که در قبض و بسط پیاپی جنگ و صلح شکل می‌گرفت؛ پرداخته می‌شود. همچنین، به حضور اسلام در ایران و عثمانی در قالب دو مذهب شیعه و سنی و تأثیر و تأثرات آن در مجادلات بین دو کشور اشاراتی خواهد شد. در ادامه نیز پس از مروری بر سنت اسلحه‌سازی در ایران و عثمانی با ارائه تصاویری از نمونه شمشیرهای هر دو حکومت در سده‌های مورد نظر و ارزیابی ریخت‌شناسی آنها در قالب جداول تحلیلی نشان داده می‌شود که چگونه از رهگذار ارتباطات جنگ بنیان ایران و عثمانی تأثیرات متقابل در فرم و نقش شمشیرهای این دو حکومت پدیدار شده است!

پیشینه تحقیق

همچون تحقیق در مورد هریک از هنرهای صناعی دیگر مطالعه علمی و نظام‌مند ساختار ظاهری و شیوه ترکیب‌بندی شمشیرها و صنعت ساخت آنها در ایران امری دشوار به نظر می‌رسد. براساس مطالعات نگارندگان این جستار، در منابع و مراجع فارسی اثر قابل توجهی در خصوص شمشیرسازی در ایران و عثمانی به چشم نمی‌خورد و هیچ تحقیق مستقلی نیز تاکنون در این زمینه انجام نگرفته است. تنها شاید بتوان به پژوهش منوچهر مشتاق خراسانی (2006) اشاره داشت که به زبان انگلیسی و با عنوان اسلحه و زره در ایران^۱ در اختیار پژوهندگان قرار گرفته است و به صورت کاملاً تخصصی به تاریخچه و ظرایف هنر شمشیرسازی ایرانی از ابتدا تا دوره قاجاریه می‌پردازد. البته، در اروپا تحقیقات گسترده‌تری در این مورد انجام شده که از آن جمله است: مقدمه‌ای بر اسلحه‌های اسلامی^۲، نوشته نورت (1985) که به طور عمده به شمشیرسازی در کشورهای اسلامی می‌پردازد و هنرهای سردار مسلمان^۳، نوشته باشر (2008) که به هنر شمشیرسازی در کشورهای اسلامی و حتی هندوستان می‌پردازد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار به صورت کیفی - توصیفی بوده و با توجه به شواهد تاریخی و نمونه‌های موجود به بازنمایی تحلیلی وجوه اشتراک و افتراق این شمشیرها به لحاظ شاکله ظاهری و نقوش طرح شده بر آنها پرداخته شده است.

جغرافیای فرهنگی - سیاسی ایران و عثمانی در سده‌های دهم و یازدهم ه.ق.

با تشکیل دولت صفوی حکومتی یکپارچه، منسجم و واحد بر ایران حاکم شد. دولت صفوی با رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه که سازگار با آرمانهای عمیق مذهبی در ایران بود، وحدت سیاسی، ملی و مذهبی را برای ایرانیان به ارمغان آورد. هم‌زمان با حکومت صفویان، امپراتوری عثمانی همسایه غربی ایران که متصرفات خود را تا شام و بالکان گسترش داده بود و اوج شکوه و قدرت خود را سپری می‌کرد، می‌توانست تهدیدی جدی برای مرزهای غربی ایران به شمار آید. «مرز مشترک طویل ایران با عثمانی در منتهی‌الیه شمال غربی از قلعه کربک واقع در سلسله جبال قفقاز شروع می‌شد و به طرف جنوب غربی امتداد می‌یافت» (بیانی، ۱۳۵۳: ۷).

شمشیرسازی در ایران

ایران از جمله کشورهای پیشرو در صنعت فلزکاری و به خصوص اسلحه‌سازی در طول تاریخ بوده‌است. شرایط استراتژیک ایران از یک‌سو و جنگ‌ها و درگیری‌های پی‌آپی در درون و بیرون مرزهای آن از سوی دیگر، منجر به نیاز مبرم ایرانیان به جنگ‌افزار و اسلحه شده بود و این نیاز خود موجب رشد روزافزون این صنعت نزد ایرانیان بود. «نخستین شمشیرهایی که از آغاز تمدن بشری در ایران یافت شده‌اند، مربوط به قبایل هیتی است که در عصر مفرغ در دامنه‌های زاگرس، در لرستان، زندگی می‌کردند. همچنین از شمشیرهای آشوری [متعلق به تمدن آشور] باید نام برد که در بین‌النهرین حکومت می‌کردند. مردمان در این عصر شمشیرها را دودم و با تیغه‌های کوتاه و دسته‌های راست و دارای حایل بین دسته و تیغه می‌ساختند. این شمشیرها را باید اولین‌ها از نوع ایرانی آن شناخت که با اندک تغییری تا چند قرن بعد استفاده می‌شدند» (احسانی، ۱۳۸۲: ۲۱۷).

با توجه به رونق و رواج فلزکاری در دوره ساسانی و به‌جای‌ماندن آثار سیمین برجسته از این دوره و با یک قیاس منطقی می‌توان چنین دریافت که مهارت ساخت جنگ‌افزارها نیز نزد ایشان وجود داشته است. این «شمشیرهای عصر ساسانی، به استناد بشقاب‌های نقره ساسانیان، تیغ‌های کوتاه و دولبه داشته‌اند» (همان: ۲۱۷). نبود یک حکومت یکپارچه و منسجم ایرانی پس از ساسانیان و همچنین ویرانگری‌های مغولان تا پیش از دوران ایلخانان، سبب شده‌است که آثار و مستندات قابل توجهی از ادوات جنگی و به‌طریق اولی شمشیرهای ساخته‌شده در این سالیان برجای نماند. «در اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم میلادی سبک ویژه‌ای از فلزکاری [در ایران] شروع به شکل‌گرفتن کرد که می‌توان آن را به تیموریان منسوب کرد. این را ظهور دوباره صنایع فلزی پرتجمل در شرق ایران پس از وقفه‌ای نزدیک به دو قرن می‌توان دانست» (مشتاق، ۲۰۰۶: ۵).

«کومارف ۲۰ نمونه از قطعات فلزکاری را که متعلق به اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم میلادی بودند، بررسی میکند و چنین شرح می‌دهد که این قطعات ساخته‌شده از برنج با مرصع‌کاری فلزات گران‌بها، حکاکی روی آنها و در مواردی با قلع‌اندودشدن تزئین می‌شدند» (moshtagh, 2006:149).

از سویی، روی کار آمدن دولت قدرتمند صفویه در ایران با مختصات اندیشه حکومتی جاری در آن و مرزهای گسترده مابین دو کشور، تهدیدی سیاسی - معنوی برای امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد. عمده این تهدیدات برای عثمانیان همانا رسمیت مذهب شیعه در ایران در مقابل حاکمیت مذهب سنی در امپراتوری عثمانی بود. تأثیر شکل‌گیری دولت صفوی بر سازوکارهای حکومت عثمانی تا به‌جایی است که «ترک‌ها مدعی هستند هنگامی که آنها برای گسترش اسلام به سمت غرب پیش می‌رفتند، صفوی‌ها از پشت به آنها خنجر زدند و آنها را متوقف کردند؛ یعنی ظهور صفویه منجر به توقف امپراتوری عثمانی شد» (خلج‌منفرد، ۱۳۸۷: ۱۶).

جنگ‌های ایران و عثمانی زمانی آغاز شد که سلطان سلیم اول عثمانی (۹۱۸-۹۲۶ه.ق/۱۵۱۲-۱۵۲۰م) فرمان قتل‌عام شیعیان و علویان را صادر کرد و «در یکی از هجوم‌هایش به خانقاه‌های صفویان و علویان، چهل‌و‌دو هزار نفر از ایشان را از بین برد» (همان: ۱۶). جنگ‌های بسیار دیگری میان این دو حکومت قدرتمند درگرفت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به جنگ چالدران (۹۲۰ه.ق/۱۵۱۴م) اشاره کرد. همین جنگ‌ها و در مواردی غنایم به‌دست‌آمده از آنها به نحوی باعث تبادلات فرهنگی و هنری نیز می‌شد. لازم به ذکر است که در دوره‌هایی نیز بین همسایگان معاهده‌هایی مبتنی بر صلح منعقد می‌شده‌است که از آن میان می‌توان قرارداد صلح آماسیه و قصر شیرین (زهاب) را نام برد.^۴ این دوره‌های آرامش بعد از جنگ همواره فرصت مناسبی برای مبادلات تجاری، صنعتی و فرهنگی ایجاد می‌کرد. به علاوه، حاکمان عثمانی همچون ایرانیان در شرایط جنگ هم از ترقی صنایع غافل نبودند و برای رشد هرچه بیشتر آن از صنعت‌گران و هنرمندان یکدیگر نیز استفاده می‌کردند؛ تا آنجا که «سلطان سلیم اول زمان بازگشت از تبریز، گروهی از هنرمندان و صنعت‌گران تبریز را از شاعر و نویسنده و زرگر و قالیباف و صحاف و امثال ایشان برگزید و روانه استانبول کرد» (فلسفی، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

اسلحه‌سازی در ایران و عثمانی

شمشیر از جمله جنگ‌افزارهای مهم در صنایع اسلحه‌سازی گذشته محسوب می‌شده است و در سده‌های دهم و یازدهم اسلامی به‌مثابه یکی از ادوات جنگی کارآمد در حفظ قلمرو حکومت‌ها هنوز اهمیت ویژه خود را از دست نداده بود و جایگاه خاصی نزد سلاطین ایران و عثمانی داشت.

با روی کار آمدن دولت قدرتمند صفوی در قرن ۱۰ ه.ق. ۱۶۰۰م. فلزکاری و به خصوص صنعت فولادسازی در ایران به اوج خود رسید. فولاد از جمله آلیاژهایی بود که تولید جنگ‌افزارها همواره گزینه مطلوب محسوب می‌شد و در طول دوران اسلامی نیز روز به روز توجه فلزکاران را بیشتر به خود جلب کرده بود. حمایت روزافزون حکمرانان صفوی از هنرها و صنعت‌های رایج به صورت عام و حمایت افرادی چون شاه‌عباس صفوی به طور خاص، رشد و شکوفایی در عرصه‌های مذکور را به دنبال آورده بود. جهانگردان زیادی که در دوره صفویه به ایران سفری داشته‌اند، از مهارت شمشیرسازان ایرانی در ساخت شمشیر و همچنین جنس تیغه آن شمشیرها، که از هندوستان^۶ وارد می‌شده است، سخن به میان آورده‌اند. در این خصوص، شاردن (۱۳۷۴: ۸۸۵) می‌نویسد: «شمشیرهای ساخت ایران چنان جوهردار و خوب است که شمشیرگران اروپا هرگز نمی‌توانند مانند آنها را درست کنند؛ و این ناکامی به آن سبب است که فولاد اروپا خوبی جنس و جوهر فولاد هندوستان را ندارد.» قدرت سیاسی، وسعت جغرافیایی و جنگ و درگیری‌های پی‌درپی صفویان با همسایگان از یک خود در شرق و عثمانی‌ها در غرب، لزوم برپاسازی کارگاه‌های اسلحه‌سازی را در نقاط مختلف ایران و حمایت از هنرمندان صنعت‌گر این عرصه بدیهی می‌نمود (احسانی، ۱۳۸۲: ۲۰۹). قورخانه‌هایی^۷ که در دوره‌های قبل از صفویه کم‌رونق شده بودند، رونق دوباره‌ای یافتند. «در چنین قورخانه‌هایی بود که تسلیحات شاه‌اسماعیل اول برای جنگ‌های وی علیه عثمانی تأمین می‌شد. شاه‌عباس اول نیز دارای زرادخانه‌هایی در اصفهان بود که به قول کارت رایت^۸، سیاح انگلیسی، در آن زره، کلاه‌خود، سپر، شمشیر و دیگر ادوات جنگی ساخته می‌شده است. گفتنی است که برخی شاهان صفوی، از جمله شاه‌عباس، خود در ساختن ابزار فولادی شرکت می‌جستند. دیگر حاکمان عهد صفوی نیز اغلب زرادخانه‌های مختص به خود را دارا بودند. آهنگران و فولادسازان سیار نیز در این زمینه سهم مهمی ایفا می‌کردند و به‌هنگام جنگ و لشکرکشی به دنبال ارتش روانه می‌شدند» (ویلسن، ۱۳۸۱: ۹).

نظر به رواج بسیار اسلحه‌سازی در این دوره، دور از انتظار نیست که نوآوری‌هایی در فرم و شکل ظاهری شمشیرها ایجاد شده باشد (moshtagh, 2006:149). با قضاوت از روی تعداد شمشیرهای به‌جامانده از دوره صفوی در مجموعه‌های شخصی و موزه‌ها، تیغه‌های بانحنای زیاد و بدون شیار را معمول‌ترین سبک و شیوه مورد قبول صفویان معرفی می‌کند؛ وی در عین حال عنوان می‌دارد که چند نمونه از شمشیرهای شیاردار متعلق به دوره صفوی نیز به دست آمده است (همان،^۹).

«در طول سده یازدهم ه.ق. تیغه‌ها که یکدمه شده بودند، خمیدگی بیشتری یافتند. یکی از استادان ایرانی که از نظر شیوه کار از پایه‌گذاران این دگرگونی به شمار می‌آید، اسدالله اصفهانی است (سمسار، ۱۳۷۷: ۲۸۵).

«آوازه مهارت و هنر اسدالله اصفهانی تا اندازه‌ای بوده است که نام وی با شمشیرسازی در ایران عجین شده است، به‌گونه‌ای که امضای وی در تعداد بی‌شماری از شمشیرها آورده شده و ساخت آن شمشیرها را به او نسبت داده‌اند.

بعدها نیز شمشیرسازان ایرانی، هندی و ترک به تقلید از کارهای این هنرمند، نام او را با تاریخ جعلی بر روی تیغه‌های شمشیرهای مختلف طلاکوبی کرده‌اند» (احسانی، ۱۳۸۲: ۲۲۲). ویژگی‌های آثار وی را می‌توان چنین برشمرد:

۱- شاید بتوان مهم‌ترین شاخصه مربوط به نقوش روی آن شمشیرها را جایگاه نوشتن کلمات «الله» در اسدالله، و «شاه» در شاه ولایت روی تیغه‌ها دانست که با رسوم مهرکنی و نقش‌مهرهای پادشاهان صفوی هماهنگ بوده است؛ به‌شکلی که «در بیشتر آثار کلمه "الله" در ترنج‌های دربردارنده رقم سال و ماه و کلمه "شاه" در ترنج‌های دربرگیرنده نام دارنده شمشیر بالاترین کلمه بوده است» (سمسار، ۱۳۷۷: ۲۶۰)؛

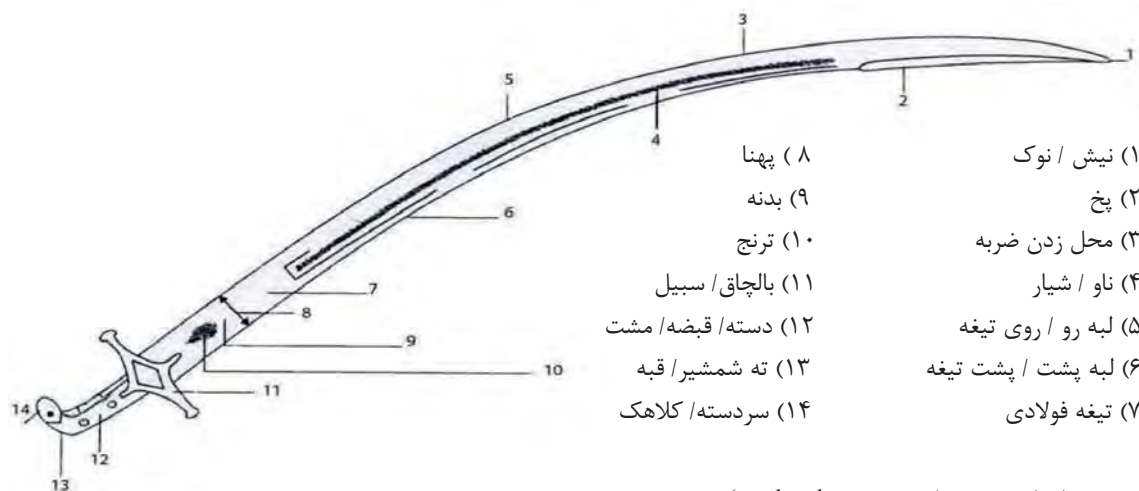
۲- زیبایی خط رقم‌ها و شکل ترنج‌های حاوی نام دارنده شمشیر و استادانه بودن طلاکوبی‌ها؛

۳- تناسب و زیبایی ساختار و آب‌دادگی استادانه تیغه‌ها؛

۴- هم‌گونی رقم‌ها؛



تصویر ۱. یاتاقان، منسوب به کارگاه‌های بایزید دوم، ۱۵۰۰ - ۱۵۱۵ م.، طول: ۸۱/۲ سانتی‌متر (basher, 2008:56)



تصویر ۲. اجزای شمشیر (moshtagh, 2006: 146)

شمشیرسازی در امپراتوری عثمانی

رشته کوه‌های توروس که در ترکیه امروزی تا کرانه دریای مازندران کشیده شده‌اند و بخشی از قلمرو حکومتی عثمانیان را تشکیل می‌دادند، همواره سرشار از انواع کانی‌ها و سوخت‌ها بوده است. بنابراین، دانش فلزکاری نیز در مناطق پیرامونی این ناحیه در طول تاریخ دولت عثمانی رشد چشم‌گیری داشته است و اسلحه‌سازی و از همه مهم‌تر فن شمشیرسازی که یکی از ملزومات حفظ قلمرو حکومتی محسوب می‌شده، مراحل تکاملی خود را در آن دوران تجربه می‌کرده است.

در قرن ۱۰ ه. ق. / ۱۶ م. امپراتوری قدرتمند عثمانی، به‌سان حکومت صفوی، در جهت گسترش مرزها و حفظ قلمرو حکومت خود در مواجهه با همسایگان نیاز میرمی به اسلحه و اسلحه‌سازی پیدا کرد و همین امر باعث شد در جنگی چون چالدران، علاوه بر تصرفات ارضی، قوای عثمانی «هزار صنعت‌گر اهل خراسان و دیگر نواحی ایران را با خود ببرد» (کنبی، ۱۳۸۶: ۲۵). علاوه بر این‌ها، سلطان سلیم عثمانی غنایم جنگ‌افزاری بسیاری را که در جنگ‌های با ایران، مصر و مجارستان به دست سپاهیان عثمانی افتاده بود، در عمارت توپکاپی گردآوری کرد (احسانی، ۱۳۸۲: ۲۱۰) که در حد خود تأثیراتی در صنعت شمشیرسازی عثمانی به‌جای گذاشتند. «شاخصه‌های اصلی شمشیرهای ترکیه تا قرن دهم تکامل یافتند. آنها دارای تیغه‌های پهن و کوتاه و بدون انحنا با قبه‌های کوچک کروی‌شکل و بالچاق‌های کنده‌کاری‌شده در راستای تیغه بودند» (north, 1985: 24). خاص‌ترین گونه شمشیرهای ترکی یاتاقان نام داشت که در بسیاری از کشورها هم با همین نام شناخته می‌شد.

یاتاقان از اواسط قرن شانزدهم تا اواخر قرن نوزدهم میلادی کاربرد داشته است. این شمشیر با ویژگی‌هایی از سایر گونه‌های شمشیر مجزا می‌شده است. «شکل سنتی و قدیمی آن دارای دسته کوتاه با لبه‌ای برجسته می‌باشد که قبه را شکل می‌دهد، تیغه‌ها یک‌لبه (یکدم) و به‌شکل S کشیده هستند» (همان: ۲۵). شاید بتوان تصریح داشت که بهترین بازمانده یاتاقان شمشیری است که به سال ۱۵۲۶ م. برای سلطان سلیمان دوم ساخته شد. این شمشیر، که هم‌اکنون در موزه توپکاپی استانبول نگهداری می‌شود، تیغه‌ای تراش‌خورده و اندوده به طلا و دسته حکاکشده مرصع دارد. البته، باتوجه به وسعت قلمرو امپراتوری عثمانی در قرن شانزدهم میلادی، فرم‌های بومی متفاوتی از انواع شمشیر نیز در کنار گونه یاتاقان رایج بوده است. نمونه‌هایی از شمشیرهای راست تیغه نیز، در آن دوران قابل شناسایی هستند؛ هرچندکه بیشترین تفاوت‌ها در تزئینات شمشیرها بوده است.

در سال ۱۹۷۷ از کشتی غرقشده‌ای متعلق به قرن یازدهم میلادی در ترکیه شمشیرهایی به‌دست‌آمد که فقط بخشی از دسته یا تیغه آنها برجا مانده بود. «از ویژگی‌های قابل اشاره در آن شمشیرها می‌توان به دسته‌های برنزی که بالچاق آنها در کنار تیغه پیچ‌شده، ارجاع داد. بین این شمشیرها اختلافات ناچیزی وجود دارد و دسته‌ها، قبه‌های برنزی و حلقه‌های ضمیمه‌شده بر آنها وجه تشابهشان می‌باشد» (north, 1985: 24). علاوه بر شمشیرهای اسلامی و تأثیرات گرفته‌شده از کشورهای همسایه، «فرم ابتدایی دسته شمشیرهای عثمانی متعلق به قبل از اسلام و ساختارشان همانند دسته‌های برنزی است که در هزاره اول قبل از میلاد در لرستان یافت شده است» (همان).

تأثیر اسلام در شمشیرسازی ایران و عثمانی

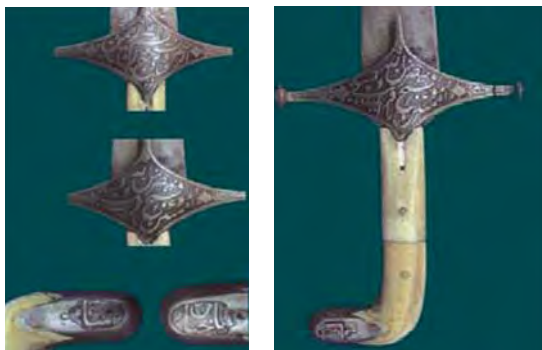
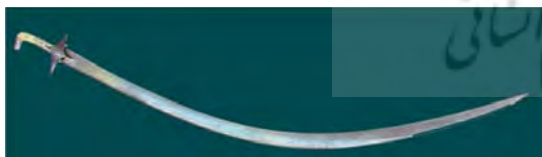
نفوذ دین اسلام و پذیرش آن در نواحی مختلف بر صنایع نیز تأثیر گذاشت، در این راستا شمشیرهای به‌دست‌آمده از مناطق زیر نفوذ اسلام، چون ایران و عثمانی، تحت تأثیر فرم شمشیرهای اسلامی قرار گرفتند. چنین به نظر می‌رسد که شمشیرهای اسلامی به‌لحاظ فرم ظاهری تیغه‌ای با انحنای کم داشته‌اند؛ نمونه‌هایی از شمشیرهای با انحنای کم نیز در موزه توپکاپی استانبول نگهداری می‌شود که گواهی بر تأثیر شمشیرهای اسلامی در صنایع اسلحه‌سازی عثمانی است. در قرن شانزدهم میلادی «انحنای تیغه شمشیرهای اسلامی افزایش یافت، قبه‌ها صاف و با گوشه‌ای متمایل به نود درجه، بر روی دسته نصب گردید. اساس این ساختار با اندکی تغییر تا قرن نوزدهم میلادی باقی ماند. اما در مقاطعی از قرن هفدهم میلادی گرایشاتی برای ساخت قبه و دسته‌ی یکپارچه از جنس شاخ، چوب و فلزات گران‌بها به‌وجود آمد و بعضی از شمشیرها نیز با دسته‌های باقی‌مانده از دوره مغول سرهم و ساخته شدند» (همان: ۲۸).

نمونه‌گیری و معرفی آثار

در این قسمت به معرفی شمشیرهای به‌جای‌مانده از ایران عصر صفوی و امپراتوری معاصر آن - یعنی عثمانی - می‌پردازیم. هرنمونه از شمشیرها با تصاویر و جزئیات آن بررسی می‌شود. با توجه به این که شمشیرها قطعات مختلفی دارند و امکان از بین رفتن قطعاتی از آنها وجود داشته است، بعضی از قطعات شمشیرهایی که در تصاویر آورده شده است، متعلق به زمان‌های متفاوتی هستند. در اینجا قطعاتی از شمشیرهای نمونه معرفی شده‌اند که تاریخ آنها متعلق به زمان مورد نظر در مباحث این مقاله باشد. به‌عبارتی، کلیه نمونه‌ها در این بخش مربوط به قرون ۱۰-۱۱ ه.ق. ۱۶-۱۷ م. هستند اما بعضی از آثار انتخاب‌شده با فاصله زمانی اندکی قبل و بعد از این تاریخ تولید شده‌اند و بررسی آنها فقط به این دلیل است که نفوذ شمشیرسازی دوره مورد بحث در آنها مشهود است. کمبود منابع تصویری موجود و محدودیت دسترسی به تمامی آثار به‌جای‌مانده از این قرون، در نحوه نمونه‌گیری تأثیرگذار بوده است. نمونه‌های مختلف شمشیر از دوران حکومت صفویه و شش نمونه از دوران همسایگی با امپراتوری عثمانی انتخاب شده است، در راستای دستیابی به نتیجه منطقی همه نمونه‌ها از بین منابع موجود و در دسترس نگارندگان گزینش شده‌اند (تصاویر از منابع شماره ۹ و ۱۰ انتخاب شده است).

نمونه ۱: این شمشیر منسوب به شاه‌اسماعیل صفوی است و احتمالاً در محدوده زمانی ۱۵۰۲-۱۵۲۴ میلادی ساخته شده است. طول این شمشیر ۱۰۳ سانتی‌متر است و روی تیغه آن سه نوشته طلاکوبی شده وجود دارد که به‌ترتیب چنین است: «بنده شاه ولایت اسماعیل»، «عمل اسدالله»، «بنده شاه ولایت عباس». تیغه آن از جنس فولاد ووتز ۱۰ بانحنای زیاد است. «نقوش کارشده بر روی تیغه این شمشیر شامل طرح نردبان محمد^{۱۱} و طرح‌های گل‌گونه است» (moshtagh, 2006:149). بالچاق این شمشیر از جنس فولاد آب‌دیده است و با روش قلم‌زنی نوشته‌هایی روی آن کار شده است؛ در یک سمت بالچاق «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و در سمت دیگر آن «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ» حک شده است. جنس ستون دسته از عاج شیر دریایی و تزئینات قبه آن خوش‌نویسی حکاکی‌شده با مضمون «یا حنّان» در یک سمت و «یا مَنّان» در سمت دیگر است.

نمونه ۲: این شمشیر منسوب به شاه‌عباس صفوی و تاریخ ساخت آن در محدوده زمانی ۱۵۸۷-۱۶۲۹ است. طول شمشیر ۹۴ سانتی‌متر و تیغه آن از جنس فولاد بوته‌ای است؛^{۱۲} «فرم آن دارای انحنای زیادی می‌باشد که سطح شبیه بافت چوب آن شمشیرهای دمشق^{۱۳} را به‌یاد می‌آورد» (همان: ۴۳۴). این شمشیر دو قسمت طلاکوبی دارد که متن روی آن «بنده شاه ولایت عباس» و «عمل اسدالله اصفهانی» است. به‌نظر می‌رسد که این شمشیر به‌دست اسدالله اصفهانی ساخته شده باشد زیرا دو کلمه «شاه» و «الله» در قسمت بالای ترنج و شمشه نقش شده‌اند. جنس ستون دسته از عاج شیر دریایی است و دارای بالچاق زرنشان و قبه‌ای با انحنای ۹۰ درجه است.



نمونه ۱

کلاهک قبه نیز زرنشان است.

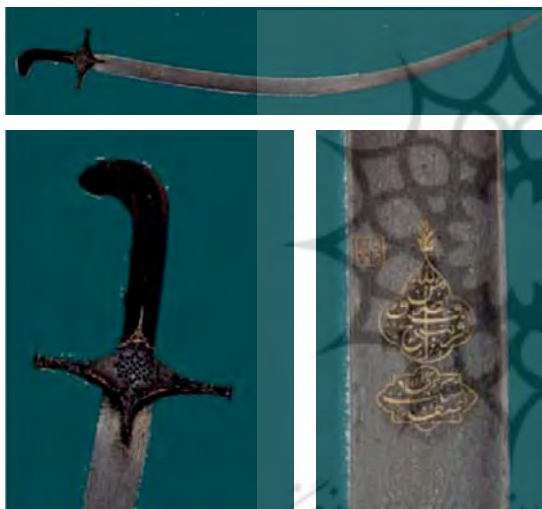
نمونه ۳: امضای اسدالله اصفهانی روی این شمشیر نیز دیده می‌شود. در این شمشیر نیز که منسوب به شاه‌عباس صفوی و طول آن ۹۰ سانتی‌متر است، نوع خاصی طلاکوبی بسیار تخت و کم‌عمق دارد که در گوشه بالچاق و روی تیغه آن کار شده است. «این شیوه طلاکاری را «شیوه توکه» می‌گویند» (همان: ۴۵۶). جنس تیغه از فولاد ووتز و بالچاق این شمشیر نیز طلاکوبی شده است ولی آثار اندکی از آن باقی مانده است. ستون دسته از جنس شاخ و کلاهک قبه آن ساده و بدون تزئینات است.

نمونه ۴: تاریخ این شمشیر به ۱۱۶۳ ه.ق./۱۷۵۰ م. بازمی‌گردد و بلندای آن ۸۱ سانتی‌متر است. امضای این شمشیر به نام «محمدباقر مشهدی» است، این امضا «از جمله امضاهایی است که بر روی بسیاری از تیغه‌های اواخر عهد صفوی دیده شده است» (basher, 2008: 85). در این نمونه، روی تیغه امضای محمدباقر مشهدی در گوشه پایین بالچاق و در نزدیکی محل اتصال بالچاق و تیغه طلاکوبی شده است. همچنین، دو نوشته و یک طلسم روی این تیغه زرنشان شده است.

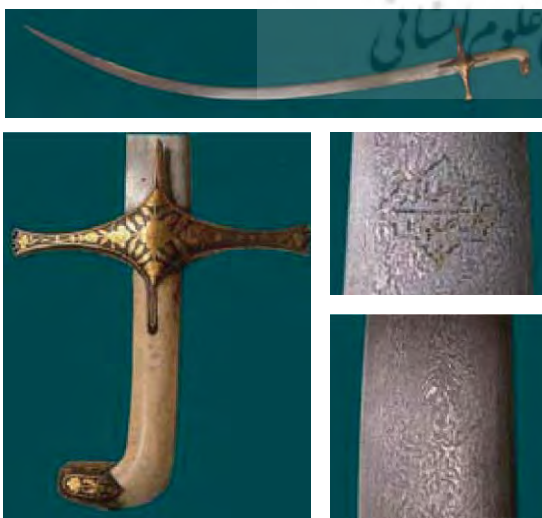
نمونه ۵: این شمشیر هم که متعلق به ایران دوره صفوی است، بلندایی به اندازه ۹۱ سانتی‌متر دارد. امضای آن با نام «عمل کاظمی اصفهانی»، در داخل یک شمشه و روی تیغه این شمشیر طلاکوبی شده است. در بالای امضا هم یک طلسم مربع‌شکل طلاکوبی شده موجود است. جنس این تیغه هم از فولاد ووتز و ستون دسته از عاج شیر دریایی است. بالچاق آن دارای طرح‌های گل‌دار زرنشان شده است و کلاهک قبه نیز طرح‌هایی مشابه طرح روی بالچاق است.



نمونه ۳



نمونه ۴



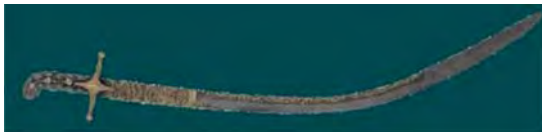
نمونه ۵



نمونه ۲



نمونه ۶



نمونه ۷



نمونه ۸



نمونه ۹

نمونه ۶: تاریخ این شمشیر به اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم میلادی بازمی‌گردد و از شمشیرهای دوره صفوی به حساب می‌آید. بلندای آن ۸۳/۵ سانتی‌متر و از جنس فولاد است. روی تیغه این شمشیر امضای «کلب‌علی اصفهانی» طلاکوبی شده است. این امضا در شمشیرهای متفاوتی که تاریخ ساخت آن‌ها به ۱۱۲۰-۱۲۷۱ ه.ق./۱۷۰۰-۱۸۵۴ م. بازمی‌گردد؛ نیز به چشم می‌خورد. مشهور است که او پسر استادکار نامدار، «اسدالله اصفهانی» بوده است (همان: ۸۶). همان‌طور که در مورد اسدالله توضیح داده شد، امضای کلب‌علی نیز که در فاصله زمانی ۱۵۰ سال در شمشیرهای متعددی دیده شده است، نشان از احتمال جعل امضای وی در دوره‌های بعد از او را دارد.

نمونه ۷: بلندای این شمشیر ۸۹/۵ سانتی‌متر است. تیغه دولبه آن که در قسمت نوک یک‌لبه می‌شود، به سال ۹۱۴ ه.ق./۱۵۰۹ م. بازمی‌گردد ولی دسته آن متعلق به قرن نوزدهم میلادی و نوشته روی آن منسوب به سلطان سلیمان عثمانی است که به زبان عربی و با خط نسخ طلاکوبی شده است. «نام هفت تن اصحاب کهف بر روی تیغه طلاکوبی شده، زیرا اعتقاد بر این بوده است که اسامی اصحاب کهف بر روی هر چیزی درج شود، به نوعی از آن محافظت می‌کند» (همان: ۵۲).

نمونه ۸: این نمونه به تاریخ ۱۰۵۸ ه.ق./۱۶۴۸ م. بازمی‌گردد. بلندای آن ۹۱ سانتی‌متر و دسته آن به شیوه معمول اواسط قرن هفدهم سرهم شده است. «این شیوه که در دوره بایزید سوم گسترش یافت، از نمونه‌های اولیه‌ای است که در قسمت قبه انحنای ملایمی در یک طرف دارد. در اواخر قرن شانزدهم میلادی این انحنای ملایم بیشتر شده و در نهایت در طول قرن هفدهم میلادی خمیدگی قبه به صورت ۹۰ درجه درآمده است. نمونه نقش‌مایه‌های دسته این شمشیر در قرن شانزدهم میلادی رواج داشته است» (همان: ۷۰).

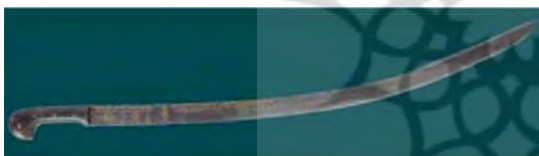
نمونه ۹: بلندی این شمشیر عثمانی ۸۳ سانتی‌متر، تیغه آن متعلق به اواخر قرن پانزدهم یا اوایل قرن شانزدهم و دسته آن مربوط به اوایل قرن هجدهم میلادی است. نکته قابل ذکر در این نمونه امضای آن است که برخلاف نمونه‌های دیگر روی دسته است و نام یک صنعت‌گر سوری‌ای به نام «احمد یاکان» بر آن درج است. «از این نمونه شمشیر تعداد متعددی وجود دارد که بیشتر تیغه‌های



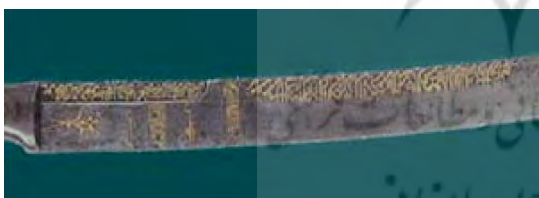
نمونه ۱۰



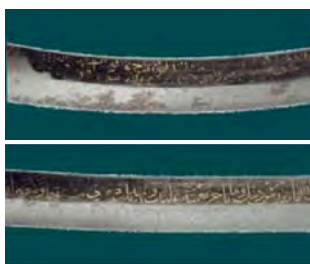
نمونه ۱۱



نمونه ۱۲



نمونه ۱۳



آن‌ها متعلق به دوره مملوکیان است و در اواخر قرن پانزدهم میلادی در کارگاه‌های سوریه دوران عثمانی ساخته شده‌اند. تعداد دیگری از این تیغه‌ها نیز در قرون هفدهم و هجدهم میلادی در عراق و حتی ایران تولید شده‌اند. به‌رغم اینکه تاریخ این شمشیر به اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی بازمی‌گردد، بعضی از تزئینات آن احتمالاً بعدها صورت گرفته است» (همان: ۶۰).

نمونه ۱۰: این شمشیر از نمونه‌های متعلق به قرن هفدهم میلادی است و بلندی آن به ۷۱ سانتی‌متر می‌رسد. دسته این شمشیر با مینای سیاه تزئین شده است و انحناى ملایمی در قسمت قبه کنگره‌ای شکل خود دارد. «استفاده از طرح‌های گلدار با مینای سیاه و نقره طلاکوبی شده از شاخصه‌های معمول قرن شانزدهم میلادی بوده است و سلاح‌های بسیاری به این شیوه ساخته و تزئین شده‌اند» (همان: ۷۱).

نمونه ۱۱: تاریخ این نمونه شمشیر به اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی بازمی‌گردد و طول آن ۷۶/۵ سانتی‌متر است. فاقد دسته است و تیغه آن از جنس فولاد طلاکوبی شده با انحناى معمول در فرم تیغه‌های دوران خود ساخته شده است؛ لیکن تزئینات، خوش‌نویسی، طول و نوک تیغه از شاخصه‌های قرن هفدهم میلادی است و این احتمال وجود دارد که مضمون خطاطی آن به سلیمان سوم اشاره داشته باشد.

نمونه ۱۲: تاریخ دقیقی برای این شمشیر ۷۶/۵ سانتی‌متری تعیین نشده است اما از تزئینات و خوش‌نویسی‌های روی آن با توجه به نمونه‌های موجود می‌توان حدس زد که تاریخ آن به اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی بازمی‌گردد. این شمشیر فاقد بالچاق است و تزئینات آن تنها در قسمت تیغه و به‌صورت طلاکوبی انجام گرفته است. دسته آن از جنس شاخ و عاج است.

نمونه ۱۳: طول این شمشیر ۷۸/۵ سانتی‌متر و از جمله نمونه‌هایی است که هنوز قطعاً مشخص نشده که ساخت آن مربوط به کارگاه‌های شمشیرسازی در ایران است یا امپراتوری عثمانی. تیغه یک‌لبه فولادین آن با فرم منحنی، متعلق به نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی است؛ درحالی‌که در قسمت نوک دولبه شده است. «هرطرف تیغه با نوشته‌هایی تزئین شده‌است؛ در یک طرف آیات



نمونه ۱۴

قرآن به خط محقق و در طرف دیگر اسم‌های خداوند به خط نستعلیقِ طلاکوبی شده که می‌توان گفت این تزئین به‌گونه‌ای غیرمعمول است» (باشر، ۲۰۰۸: ۶۲).

نمونه ۱۴: هنوز مشخص نشده که این شمشیر متعلق به ایران است یا عثمانی! اما تاریخ ساخت آن قرن شانزدهم میلادی تخمین زده شده و طول آن ۷۶/۵ سانتی‌متر است. دسته آن به‌یقین کار اسلحه‌سازان عثمانی است و در قرن نوزدهم میلادی به آن الحاق شده است. این دسته از جنس فولاد، طلا و شاخ است. انحنای زیادی که در این شمشیر مشاهده می‌شود، شاخصه تیغه شمشیرها در قرن هفدهم میلادی است. با توجه به ویژگی‌های ذکر شده در مورد تیغه‌های ساخت ایران و عثمانی، می‌توان حدس زد که تیغه این شمشیر متعلق به ایران باشد؛ چراکه فرم نوک تیغه، انحنای زیاد تیغه و نقوش اسلیمی و ختایی طلاکوبی شده روی تیغه شیوه معمول هنرمندان صنعت‌گر ایرانی در قرن شانزدهم را تداعی می‌کند.

تجزیه و تحلیل نمونه‌ها

در این بخش با توجه به ویژگی‌های موجود در نمونه‌های حاضر به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است، این ویژگی‌ها در سه جدول مجزا با عنوان‌های: (۱) تحلیل فرم و ابعاد، (۲) تحلیل روش و تزئینات و (۳) تحلیل نوشتار بررسی می‌شوند. مواردی که در این جداول بحث شده‌اند، فقط در مورد آن دسته از داده‌هاست که به حوزه تاریخچه فرم و نقش شمشیرها اشاره می‌کند و از ذکر موارد خارج از این حوزه خودداری شده است. لازم به ذکر است علامت (✓) در جداول نشان از وجود ویژگی ذکر شده در نمونه است.

جدول ۱: در این جدول در مورد ویژگی‌های ظاهری و نکات مرتبط با فرم و ابعاد شمشیر با توجه به نمونه‌های جمع‌آوری شده بحث شده است. نکته قابل ذکر در این

جدول این است که به‌علت دسترسی نداشتن به اصل آثار، ارزیابی از طریق تصاویر موجود انجام گرفته و امکان بررسی کل جزئیات و ذکر دقیق ابعاد نمونه‌ها وجود نداشته است. در این تحلیل به تاریخ ساخت، طول شمشیر (از نوک تیغه تا انتهای دسته)، میزان انحنای فرم نوک تیغه و ویژگی‌های فرمی قبه و بالچاق دسته پرداخته شده است:

نکته اول: با توجه به مشخص نبودن تاریخ دقیق همه شمشیرها به ذکر محدوده تاریخی ساخت آنها با تاریخ میلادی بسنده شده است.

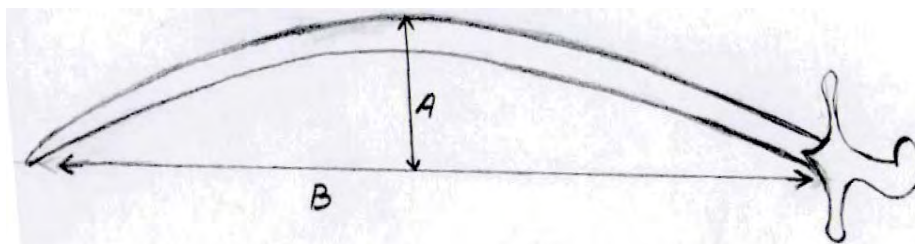
نکته دوم: برای به‌دست آوردن میزان انحنای قوس تیغه‌ها، نسبت طول تیغه به ارتفاع قوس در بلندترین نقطه محاسبه شده است، تصویر ۳ گویای چگونگی محاسبه است.

نکته سوم: «پخ» بودن از ویژگی‌های تیغه بعضی از شمشیرهاست که در قسمت تحلیل تصویری شمشیر نشان داده شده است.

جدول ۲: در این جدول شمشیرها به اجزای اصلی هم

$$A = ۱$$

$$B = ۸$$



تصویر ۳. روش محاسبه انحنای قوس

جدول ۱. تحلیل فرم و ابعاد (مأخذ: نگارنده)

شماره نمونه	شماره نمونه													
	نمونه ۱	نمونه ۲	نمونه ۳	نمونه ۴	نمونه ۵	نمونه ۶	نمونه ۷	نمونه ۸	نمونه ۹	نمونه ۱۰	نمونه ۱۱	نمونه ۱۲	نمونه ۱۳	نمونه ۱۴
تاریخ (به میلادی)	۱۶	۱۶-۱۵	۱۶	۱۸	۱۷-۱۶	۱۷	۱۵	۱۷	۶-۱۵	۱۷	۱۷-۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
طول به سانتی متر	۱۰۳	۹۴	۹۰	۸۱	۹۱	۸۳.۵	۸۹/۵	۹۱	۸۳	۷۱	۷۶/۵	۷۶/۵	۷۸/۵	۷۶/۵
تیغه	نسبت اتحنای تیغه به طول تیغه													
	۵.۳	۹	۹	۷.۷	۱۱	۵	۷/۲	۱۰	۶	۱۲	۱۱	۱۰	۷/۵	۶/۵
دسته	نوک	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	تیغه	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	خمیدگی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	ی قبه	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	بالچاق	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	فاقد بالچاق	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓

جدول ۲. تحلیل تزئینات، مواد، روش (مأخذ: نگارنده)

شماره نمونه	شماره نمونه														
	نمونه ۱	نمونه ۲	نمونه ۳	نمونه ۴	نمونه ۵	نمونه ۶	نمونه ۷	نمونه ۸	نمونه ۹	نمونه ۱۰	نمونه ۱۱	نمونه ۱۲	نمونه ۱۳	نمونه ۱۴	
تیغه	جنس	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	روش	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	نقوش	قلم زنی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
		گل دار	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
		هندسی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
		ترنج	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
شمسه	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		
روکش دسته	نوشتار	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	عاج	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	جنس	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	شاخ	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
بالچاق	نقره	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	تزیین	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	جنس	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	روش	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	میناکاری	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	مشبک کاری	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
قبه	نوشتار	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	گل دار	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	جنس	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	نوشتار	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	گل دار	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	روش	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	



چون تیغه، روکش دسته، بالچاق و کلاهک قبه تقسیم شده‌اند. در قسمت تیغه نیز تزئینات و روش‌های به‌کاررفته در آن بررسی شده است:

نکته اول: تقسیم‌بندی منظم سطح تیغه و علایم طلسم‌گونه روی تیغه‌ها در ردیف تزئینات هندسی قرار داده شده‌اند. نکته دوم: در قسمت ستون دسته به نوع مواد به‌کاررفته در روکش دسته و وجود تزئین در این قسمت پرداخته شده است. نکته سوم: در تحلیل دیگر اجزا - همچون بالچاق و قبه - نقوش، روش و مواد به‌کاررفته در تزئینات بررسی شده‌اند. نکته چهارم: از بررسی آن قسمت از شمشیرها که به‌مرور زمان از بین رفته‌اند و در دوره‌های تاریخی بعد از زمان مورد نظر پژوهش جایگزین و الحاق شده‌اند، خودداری شده است.

جدول ۳: این جدول در راستای تحلیل و قیاس نوشتارهای حک‌شده بر شمشیرها تنظیم و ترسیم شده است و در چهار قسمت به ذکر انتساب شمشیر، امضای سازنده، متن نوشتار و نوع خط به‌کاررفته می‌پردازد.

وجوه اشتراک

با نگاهی به جداول و با توجه به ویژگی‌های ریختی شمشیرها در هر دو منطقه می‌توان به شاخصه‌های کلی و مشترک بین آنها دست یافت. فولادی بودن تیغه‌های تمامی نمونه‌ها و روش‌های به‌کاررفته در ساخت آنها که

جدول ۳. تحلیل نوشتار (مأخذ: نگارنده)

طی قرون شانزدهم و هفدهم میلادی مراحل تکمیل نهایی خود را سپری می‌کرده‌اند، از جمله این اشتراکات است. استفاده از روش طلاکوبی مناسب‌ترین نوع تزئین جنگ‌افزاری و وجه مشترک برجسته این شمشیرها تلقی می‌شود. این تزئین جز در دو فقره از نمونه‌ها روی تمامی شمشیرها دیده می‌شود. تزئینات طلاکوب بیشتر روی تیغه‌ها و در قالب نوشتار به‌کار گرفته شده‌اند. مضمون نوشتارها به‌طور عمده دلالت بر اعتقادات مذهبی هردو ملت، که همانا دین اسلام بوده‌است، دارد. اعتقاد به راه‌گشای بودن بعضی از آیات و اسماء را می‌توان سبب پدیدار شدن این مضامین روی شمشیرها دانست که از دیگر شاخصه‌های مشترک در نقوش حک‌شده بر این شمشیرهاست. توجه به جدول ۳ نشان می‌دهد که رایج‌ترین نوشتارهای منقوش «بسم الله الرحمن الرحیم» و «نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین» است.

وجوه افتراق

با تحلیل جداول و بررسی طول مشخص شده شمشیرها می‌توان دریافت که بلندای تیغه شمشیرهای ایرانی نسبت به شمشیرهای عثمانی بیشتر است. در کنار آن محاسبه میزان انحنای شمشیرها نشان می‌دهد که شمشیرهای ایرانی در قیاس با شمشیرهای عثمانی به‌وضوح انحنای بیشتری دارند و همان‌طور که قبلاً ذکر شد، انحنای زیاد

شماره نمونه	منسوب به	امضای سازنده	نوع خط
نمونه ۱	شاه‌اسماعیل شاه‌عباس	عمل اسدالله اصفهانی	روى بالچاق «بسم الله الرحمن الرحيم و بهي نستعين يا فتاح» / «نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین» / «يا حنان» / «يا منان» / «يا حنان»
نمونه ۲	شاه‌عباس	عمل اسدالله اصفهانی	نستعلیق
نمونه ۳	شاه‌عباس	عمل اسدالله اصفهانی	نستعلیق
نمونه ۴		محمد باقر مشهدی	نسخ نستعلیق
نمونه ۵		عمل کاظم‌انی اصفهانی	نستعلیق
نمونه ۶		کلب‌علی اصفهانی	نستعلیق
نمونه ۷	شاه‌سلیمان		نسخ نام هفت‌تن از اصحاب کهف / «بسم الله الرحمن الرحيم» / «نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین» و آیاتی از سوره بقره (آیت‌الکرسی)
نمونه ۸			
نمونه ۹		احمد یاکان	نسخ «فافتح بیننا و بین القوم الفاتحین»
نمونه ۱۰			
نمونه ۱۱	احتمالاً شاه‌سلیمان سوم		نسخ «الظفر شافع للمنتبین من الکرماء العفو یفسد من الخسیس به مقدار ما یصلح من الرقیع»
نمونه ۱۲			نسخ «کهیعیص» و «حمعسق» (آیات اول ۲ سوره از قرآن)
نمونه ۱۳			محقق نستعلیق سوره فتح اسماء حسنا
نمونه ۱۴			نسخ «نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین یا محمد یا مقتر» «انا فتحناک فتحاً مبیناً ...»



عثمانی از نظر طلاکوبی بسیار پرکارتر و مزین تر از شمشیرهای ایرانی هستند. با این وجود، همان طور که در جدول می بینیم، در مواردی نیز تیغه های شمشیرهای عثمانی فاقد طلاکوبی بوده اند.

طلاکوبی شمشیرهای ایرانی بیشتر به امضای سازنده یا مهر انتساب شمشیر به پادشاه اختصاص دارند. این نوشتارهای طلاکوب به لحاظ شکلی محدودند و جز یک مورد خط نسخ همگی به خط نستعلیق هستند؛ این در حالی است که بیشتر طلاکوبی های روی شمشیرهای عثمانی از آیات قرآن و اسما متبرکه به خط نسخ و در یک مورد به خط محقق هستند. از دیگر وجوه افتراق قابل استنباط، استفاده از فلز نقره در شمشیرهای عثمانی است که در نمونه شمشیرهای ایرانی وجود ندارند.

تیغه ها در دوره صفویه وجه مشخصه شمشیرهای این دوره در ایران است. داشتن پخ در نوک تیغه در نمونه های ایرانی متداول نبوده است به خلاف شمشیرهای عثمانی که به استناد جدول ۱ در قسمت تیغه دارای پخ بوده اند. با این اوصاف، داشتن پخ در نوک تیغه را میتوان از مشخصه های اصلی تیغه های عثمانی دانست. همچنین، در این جدول نشان داده شده است که خمیدگی زیاد قبه و در بسیاری از موارد زاویه ۹۰ درجه در انتهای دسته در شمشیرهای ایرانی رایج بوده است؛ این در حالی است که در قرن هفدهم میلادی چنین قبه هایی در شمشیرهای عثمانی متداول شد و تا قبل از آن خمیدگی قبه ها کمتر بوده است. در جدول تزئینات نیز، به رغم این که همه شمشیرهای ایرانی در تیغه طلاکوبی دارند، میزان طلاکوبی در نمونه های عثمانی بسیار زیادتر است و می توان گفت که نمونه های

نتیجه گیری

تحلیل جداول و قیاس نمونه شمشیرهای ایران و عثمانی نشان می دهد که به رغم ویژگی های مشترک شمشیرهای ایرانی با شمشیرهای عثمانی؛ نمونه های ایرانی شاخصه های تکرارشونده ای دارند که آنها را می توان ویژگی های خاص شمشیرهای ایرانی دانست. این در حالی است که نمونه های عثمانی به طور کلی، خصوصیت عمده ای که در تمامی قسمت های شمشیر وجود داشته باشد و در دوره های مختلف تکرار شده باشد، ندارند. تنوع نوع دسته در عثمانی حاکی از تأثیرات متعددی است که از تلفیق فرهنگ های مختلف ملل تحت سلطه حاصل شده است؛ به گونه ای که نمی توان شاخصه معین و شکل یافته ای، جز تزئینات پرکار، برای دسته شمشیرهای عثمانی در نظر گرفت.

استفاده از تزئینات و به کار بردن مواد گران بها از جمله فلز نقره در قسمت دسته و طلاکوبی فراوان روی تیغه را شاید بتوان نشان از ثروت انبوهی دانست که عثمانیان از غنایم جنگی و به دلیل فتوحات خود به دست آورده بودند. از طرف دیگر، سادگی و صلابت شمشیرهای ایرانی (برخلاف دیگر آثار هنری این دوران) را می توان برپایه زمینه های اعتقادی و پای بند بودن صفویان به مذهب شیعه، که ساده زیستی و دوری از تجمل گرایی را ترویج می دهد، توجیه کرد. هر چند در این خصوص نباید نوع کاربرد این آثار را که همانا اهداف مذهبی و سیاسی بوده است از نظر دور داشت.

یکپارچگی فرم و نقش تزئینات دسته در بیشتر نمونه های ایرانی نشان از آن دارد که با این که نمونه ها به دست شمشیرگران مختلف در مقاطع زمانی متفاوت ساخته شده اند، ویژگی های مشخص و تعریف شده ای دارند که آنها را می توان شاخص دسته شمشیرهای ایرانی در این دوره دانست.

چگونگی تزئینات در کلیه نمونه های موزه ای تحلیل شده، گویای این مهم است که این شمشیرها همه از نوع تشریفاتی و سلطنتی یا متعلق به سرداران و حکمرانان حکومتی ایران و عثمانی بوده اند.

باز نمود تأثیرات نفوذ و حاکمیت اسلام در این دو حکومت، نه تنها در روابط و کشمکش های سیاسی بین آنها، بلکه در نوع تزئینات و به خصوص نوشتارهای منقوش بر شمشیرها نیز قابل مشاهده است.

نگاهی به جداول تحلیلی ارائه شده در خصوص نمونه‌های ۱۳ و ۱۴، که باید شمشیرهای ایرانی - عثمانی در نظر گرفته شوند، حکایت از نزدیکی روابط این دو حکومت و میزان تأثیر و تأثرات متقابلی است که در صنعت شمشیرسازی آنها وجود داشته است، به نظر می‌رسد که این شمشیرها ساخته مشترک کارگاه‌های آنهاست؛ چراکه در قسمت‌های مختلف هر دو نمونه، ویژگی‌های شمشیرهای هر دو حکومت به طرز چشم‌گیری مشهود است. در پایان، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مذاهب رسمی موجود در این مناطق بر نحوه تزئینات و مضامین نوشتار شمشیرها تأثیر بسزایی داشته و موجب شده است که شمشیرها در هر یک از حوزه‌های حکومتی ویژگی خاص خود را بیابند؛ در حالی که تبادل صنعتگران و سلاح‌ها باعث بروز ویژگی‌های مشترک در ساخت سلاح‌های این دو حکومت شده است. به علاوه، شاخصه سادگی تزئینات شمشیرهای ایرانی در مقابل سرشار از تزئین بودن تمامی قطعات شمشیرهای عثمانی تفاوت برجسته شمشیرهای ایرانی و عثمانی برشمرده می‌شود.

تشکر و قدردانی

با سپاس از همکاری و راهنمایی استاد گرانقدر سرکار خانم دکتر مهرانگیز مظاهری.

پی‌نوشت

- 1-Arms and Armor from Iran
- 2-An Introduction to Islamic Arms
- 3-The Arts of The Muslim Knight

۴- قرارداد قصرشیرین علاوه بر برقراری ۹۰ سال صلح و آرامش، مرزهای قطعی میان دو کشور را نیز معین می‌کرد و مبنای استناد در توافقات بعدی قلمداد می‌شد.

۵- به نقل از کومارف

۶- فولاد هندی که از کلکته وارد ایران می‌شد، بهترین نوع فولاد برای صیقل‌پذیری منحصر به فرد بوده است (رجوع کنید به سفرنامه تاورنیه: ۵۹۹)

۷- قورخانه معادل ترکی زرادخانه است که به محل ساخت، تعمیر، ذخیره و نگهداری اسلحه و مهمات نظامی اختصاص داشته است.

۸- Cart write

۹- هرگاه شمشیری منصوب به پادشاهی ساخته می‌شد، نام پادشاه روی آن به شکل مهر طلاکوبی می‌شد و اگر همین شمشیر به پادشاه بعدی تقدیم می‌شد، نام او نیز روی آن طلاکوبی می‌شد. برای مثال، شمشیری متعلق به دوره صفویه در موزه نظامی تهران نگهداری می‌شود که در دوره فتحعلی‌شاه مهر طلاکوبی شده آن پاک شده و مهر انتساب به فتحعلی‌شاه روی آن طلاکوبی شده است.

۱۰- فولاد موج‌دار بوته‌ای که در هندوستان به نام ووتز شناخته شده است.

۱۱- نردبان محمد به طرح‌های انبوهی گفته می‌شود که از خطوط منحنی و گلدان تشکیل شده است و اجرای آن نیاز به مهارت و استادی دارد.

۱۲- فولاد بوته‌ای فولادی است که از طریق امتزاج زغال، گیاه و آهن در بوته‌های سفالی حاصل می‌شود و به کمک ذغال چوب و سایر مواد آلی مقدار کربن سطح آن بالا می‌رود.

۱۳- شمشیر دمشقی به شمشیری گویند که در مراحل ساخت آن خطوط و رگه‌هایی روی تیغه آن ایجاد می‌شود که به آنها دمشقی گویند و این بدین سبب است که در زمان‌های قدیم مردمان شهر دمشق فولاد مورد نیاز خود را از راه دریای سرخ از هندوستان می‌آوردند.

منابع

- احسانی، محمدتقی. (۱۳۸۲). هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیانی، خان‌بابا. (۱۳۵۳). تاریخ نظامی ایران (دوره صفویه). تهران: انتشارات ستاد بزرگ ارتشداران.
- خلیج‌منفرد، ابوالحسن. (۱۳۸۷). تعاملات فرهنگی ایران و ترکیه: فرصتها و چالش‌ها. تهران: پژوهش‌گاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. (۱۳۷۷). زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی. ج ۸. تهران.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۴). سفرنامه شوالیه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی. ج ۲. تهران: انتشارات توس.
- فلسفی، نصرالله. (۱۳۸۱). جنگ میهنی ایرانیان در چالدران. تهران: هیرمند.
- کنبی، شیلا. (۱۳۸۷). عصر طلایی هنر ایران. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- ویلسن، الن جیمز. (۱۳۸۱). هنر فولادسازی در ایران. ترجمه پرویز تناولی. تهران: یساولی.

- Basher, Mohamad. (2008). *the Arts of the Muslim Knight*. Italy: Skira.
- Moshtagh Khorasani, Manouchehr. (2006). *Arms and Armor from Iran*. Legat publication.
- North, Anthony. (1985). *An Introduction to Islamic Arms*. London: Her Majestys Stationary Office.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی